

تأثیر تجارت بر «اقتصاد شهری» اصفهان در عصر

شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶هـ.ق.)

داراب ظفریان^۱؛ ناصر جدیدی^۲؛ سهیلا ترابی فارسانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۸

چکیده

اقدامات و اصلاحات شاه عباس اول آغازگر یک دوره تحول و توسعه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی تاریخ ایران است و مرکز این تحول شهر اصفهان می‌باشد. براساس اندیشه‌ها و سیاست‌های شاه عباس و مشاوران وی ساختار اقتصادی ایران دستخوش تحول قرار گرفت. یکی از جنبه‌های تحول اقتصادی این دوره که اثری ماندگار به دنبال داشت، شکوفایی نظام «اقتصاد شهری» اصفهان، پایتخت صفویه بوده است. شکل‌گیری و توسعه اقتصاد شهری اصفهان در این مقطع تاریخی تحت تأثیر عواملی چند از جمله «توسعه تجارت»، توسط شاه عباس رقم خورد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که اقدامات و اصلاحات شاه عباس در زمینه «تجارت» کدامند؟ و چه تأثیری در شکل‌گیری و توسعه نظام «اقتصاد شهری» اصفهان داشته‌اند؟ پژوهش حاضر تحقیقی تاریخی است که به روش توصیفی-تحلیلی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش را می‌توان در سیاست‌های مؤثر شاه عباس به مرکزیت شهر اصفهان در تأمین امنیت، حمایت از تجار ارامنی، تقویت و گسترش عناصر شهری و تسهیلات شهری دانست که زمینه رونق تجارت و در نتیجه توسعه اقتصاد شهری اصفهان شدند.

کلمات کلیدی: صفویه، اصفهان، شاه عباس، اقتصاد شهری، تجارت.

^۱ گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. d_zafariyan@yahoo.com

^۲ گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) naserjadidi1397@gmail.com

^۳ گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. tfarsani@yahoo.com

مقدمه

شکوفایی اقتصادی شهر اصفهان در دوره حکمرانی صفویه به‌ویژه در عصر شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ.ق.) و با اعمال سیاست‌های تحول‌گرای وی در عرصه‌های گوناگون از جمله توسعه اقتصاد شهری از موضوعاتی است که در عصر جدید و با ظهور رویکردهای نوین تاریخ‌نگاری، مورد علاقه پژوهشگران و محققان قرار گرفته است. با اوج گرفتن قدرت دولت متمرکز، فراگیر و مقتدر صفوی در عصر شاه عباس به مرکزیت شهر اصفهان، این شهر در توسعه شهری به پیشرفتی دست یافت که تعریف و تمجید اغلب سیاحانی که در این دوره از این شهر بازدید کردند را برانگیخت. علل مختلفی در تحقق این سطح از پیشرفت نقش داشتند. یکی از این عوامل، توسعه تجارت به مرکزیت شهر اصفهان بوده است؛ چرا که تجارت به انباشت و گردش ثروت منجر می‌شود و موجب فعال شدن شریان‌های اصلی اقتصاد شهر می‌شود و در نتیجه‌ی آن، ایجاد و گسترش عناصر شهری که مؤلفه‌های اقتصاد شهری محسوب می‌شوند، ضرورت پیدا می‌کنند. شهر اصفهان در جایگاه پایتخت کشور و مرکزیتی که از نظر جغرافیایی و ترانزیتی ایران داشت و اقدامات و اصلاحاتی که شاه عباس اول و مشاوران وی در ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ساختار اقتصادی انجام دادند، به یک مرکز تجاری داخلی و بین‌المللی تبدیل شد و این مهم به یکی از عوامل کلیدی تأثیرگذار در نظام اقتصاد شهری اصفهان تبدیل شد. در باب پیشینه پژوهش باید گفت متون تاریخی متقدم در ارتباط با اصفهان عصر شاه عباس اول بیشتر به وقایع سیاسی پرداخته‌اند. اما سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی مطالب مفصل و مفیدی به طور پراکنده در ارتباط با اصفهان عصر شاه عباس و موضوع تجارت در این دوره ارائه نمودند. همچنین پژوهش‌های نیز در عصر جدید در این ارتباط انجام شده است؛ برای نمونه کُتب، پژوهش دانشگاه کمبریج، (۱۳۸۰) «تاریخ ایران دوره صفویان» یک فصل به موضوع تجارت در دوره صفویان اختصاص داده است. باستانی پاریزی (۱۳۶۲)، «سیاست و اقتصاد عصر صفوی» به برخی از مباحث این موضوع پرداخته است و متی (۱۳۸۷)، «اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی» یک فصل را به نقش تجار در عصر صفوی اختصاص داده است. همچنین پژوهشگرانی همچون ثواب (۱۳۸۵، ۶۰-۴۱). «سیاست‌های شاه عباس در رونق تجاری ایران». در این مقاله به برخی از جنبه‌های اقتصادی شهر اصفهان پرداخته شد. انصاری (۱۳۸۰: ۵۱-۳۷)، «فعالیت‌های تجاری-صنعتی عصر «شاه عباس اول» در اصفهان». به فعالیت‌های تجاری عصر شاه عباس اول در اصفهان به شکلی کلی اشاره کرده است. ظهوریان (۱۳۹۴، ۸۲-۵۹) «حضور آرامنه در اقتصاد ایران صفوی»

ظفریان: تأثیر تجارت بر «اقتصاد شهری» اصفهان در عصر شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ.ق.) / ۱۱۱

به نقش تجاری ارامنه در اقتصاد ایران عصر صفوی پرداخته است. به رغم انجام این پژوهش‌ها که هر کدام به بخشی از این موضوع پرداخته‌اند، تاکنون هیچ کار مستقلی با موضوع «تأثیر تجارت بر اقتصاد شهری اصفهان عصر صفوی» با رویکرد علم اقتصاد شهری انجام نشده است. در مقاله حاضر با تمرکز بر سه جنبه از سیاست‌های تجاری شاه عباس یعنی تأمین امنیت، به خدمت گرفتن و حمایت از تجار ارمینی و گسترش عناصر شهری، تأثیر تجارت بر توسعه نظام اقتصاد شهری اصفهان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

فرضیه پژوهش: سیاست‌های شاه عباس در تأمین امنیت، حمایت از تجار ارمینی و توسعه عناصر شهری، موجب گسترش تجارت و در نتیجه آن، توسعه «اقتصاد شهری» اصفهان گردید.

سوال اصلی پژوهش: اقدامات شاه عباس در حوزه تجارت چگونه موجب توسعه «اقتصاد شهری» اصفهان گردید.

قبل از ورود به بحث لازم است پیرامون موضوع اقتصاد شهری و مفهوم شهر از نظر اقتصادی سخنی کوتاه گفته شود.

اقتصاد شهری

«اقتصاد شهری»^۱: ارائه تعریفی جامع و مانع از «اقتصاد شهری»، همچون اکثر شاخه‌های علمی، به ویژه شاخه‌های علوم انسانی کار دشواری است؛ ماهیت بین رشته‌ای بودن، ارتباط تنگاتنگ نظام اقتصاد شهری با سطوح بالاتر اقتصاد ملی و حتی جهانی و مشخص نبودن مرزهای فیزیکی اقتصاد شهری شهری، سه مشکل عمده تعریف اقتصاد شهری است (Button, 1976: 3-4). با وجود این مشکلات بر اساس تعاریف ارائه شده، علم «اقتصاد شهری» شاخه‌ای از اقتصاد خرد است که در آن ساختار فضایی شهر، زیر ساخت‌ها و تسهیلات شهری و مکان‌یابی خانوارها و مؤسسات اقتصادی مطالعه شود (هادی زنوز، ۱۳۸۸: ۵)؛ در اقتصاد شهری به بررسی موضوع کجایی انجام فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد (اُسولیوان، ۱۳۸۶: ۳). مطالعات اقتصاد شهری به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست: چرا شهرها در جایی که هستند استقرار یافته‌اند؟ چرا بعضی از آن‌ها بزرگ و بعضی دیگر کوچک‌اند؟ ماهیت و آثار اقتصادی یک شهر چیست؟ (زنگنه، ۱۳۸۹: ۱۴) برخی از مباحث مهم مطرح شده در علم «اقتصاد

¹ URBAN ECONOMIS

شهری» عبارتند از؛ تراکم جمعیت، امنیت، حمل و نقل شهری، مالیه شهری، نیروهای بازار در توسعه شهری، زیر ساخت‌ها و تسهیلات شهری (محتشم‌دولت‌شاهی، ۱۳۸۷: ۴-۱۲؛ هادی‌زنوز، ۱۳۸۸: ۵).

مفهوم شهر از نظر اقتصادی

اگر شهر از نظر اقتصادی تعریف شود، همانا زیستگاه ساکنانی است که در درجه اول از راه بازرگانی و نه کشاورزی زندگی می‌کنند. اما با این همه، به طور کلی درست نیست که تمام مکان‌هایی را که بازرگانی و تجارت بر آن غالب است، شهر بنامیم (ویر، ۱۳۶۹: ۶۴). برای یک اقتصاددان شهری، ناحیه جغرافیایی به عنوان شهر شناخته می‌شود که از تراکم نسبتاً بالایی از جمعیت برخوردار باشد (اسولیان، ۱۳۸۶: ۳). همچنین شهر منطقه‌ای است که نسبت تولید و سایر عوامل تولید به زمین در آن بیشتر از نواحی همجوار است (عابدین درکوش، ۱۳۸۹: ۱۱). در کل شهر، سکونتگاه مجتمعی است با تعداد و تراکم معین و متناسب از جمعیت، با بافت و ساختار کالبدی یکپارچه و به هم پیوسته اعم از محلات، کوی‌ها و یا مناطق مسکونی، بازرگانی و تولیدی، اداری، ارتباطی، کشاورزی و نظایر آنها که اکثریت ساکنان شاغل دائمی آن در مشاغل و فعالیت‌های غیرکشاورزی (داد و ستد و بازرگانی، صنعت و فعالیت‌های اداری و فرهنگی و مانند آن‌ها) به کار اشتغال داشته و بر اثر تمرکز تولید و خدمات فرامحلی، کانون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اداری، مواصلاتی و مرکز مبادلات اقتصادی و تامین نیازهای حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود نیز می‌باشد» (مؤمنی، ۱۳۶۶: ۳۴).

زمینه‌های تجاری اصفهان عصر شاه عباس

از دوران کهن، به دلیل موقعیت جغرافیایی، تجارت با مناطق دور دست جزء جدایی ناپذیر زندگی مردم فلات ایران بوده است اما در دوره صفویه، به‌خصوص عصر شاه عباس اول، با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت، شاهد ارائه یک چهره شکوفای تجاری از کشور می‌باشیم. چرا که، موقعیت خاص اصفهان در مرکز طبیعی ایرانشهر و کانون راه‌های بازرگانی داخلی و خارجی اهمیت ویژه‌ای به این شهر تاریخی بخشید و آن را در مرکز ایران به «چهار راه بزرگ ترانزیت جهانی تبدیل نموده است» (سیرو، ۱۳۵۷: ۸). و سیاست‌های تجاری شاه عباس مطلوب‌ترین بهره‌برداری را از این شرایط برای توسعه اقتصادی کشور و این شهر نموده است. علاوه بر این یکی از جوانب خاص تکامل اقتصادی ایران در دوره صفوی این بود که اعتلای اقتصادی و رونق امور تجاری بیشتر در شهرهای مرکزی و غربی کشور یعنی اصفهان، شیراز، همدان،

کرمان، رشت و آذربایجان (تبریز و اردبیل) مشهور بوده است و بر عکس خراسان، به استثنای مشهد و قندهار، در این دوره دچار رکود گشته بود و علت این توقف به طور کلی تعدیل شدید روابط اقتصادی با آسیای میانه بوده است (پیگولوسکایا، ۱۳۵۳: ۵۴۵). بر این اساس شهر اصفهان به مرکز تجاری ایران تبدیل شد و این موقعیت، زمینه را برای رونق نظام اقتصاد شهری این شهر فراهم نمود. بر اساس منابع و متون تاریخی، پس از کشاورزی، مجموعه فعالیت‌های اقتصادی که نام کلی تجارت بر آن اطلاق می‌شود، مهم‌ترین کار و فعالیت شهروندان اصفهانی در دوره صفوی بوده است. افزایش جمعیت اصفهان (فوران، ۱۳۹۲: ۶۲)، حضور قابل توجهی مسافر و سیاح و تاجر از ملیت‌های مختلف (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۲۴۲؛ سیوری، ۱۳۷۲: ۱۷۲)، نزدیکی اصفهان به بنادر جنوبی و وجود مراکز در شهر که امکان تجارت در آنها برقرار می‌شد، باعث شد تا گروه‌های زیادی به این حرفه روی آوردند. غالب سیاحان و مورخان نیز اذعان نموده‌اند که شاه عباس اول به امر تجارت اشتیاق داشته و «معتقد بود که بازرگانی یگانه راه ثروتمندی و آبادانی کشور است» (شاردن، ۱۳۴۵: ۹۵/۸). در واقع شاه عباس متوجه شد که علاوه بر درآمد کشاورزی و معادن و استفاده از منابع طبیعی، یک عامل بزرگ اقتصاد دیگر که ارزش خارجی را به کشور خواهد رساند وجود دارد و آن تجارت است. لذا به تشویق تجارت پرداخت و سیاست کلی آن این بود که حتی‌الامکان بر صادرات بیفزاید و از واردات بکاهد. بنابراین با تأمین زیر ساخت‌هایی لازم، تجارت را به مرکزیت شهر اصفهان گسترش داد و با این اقدام مهم به سازمان اقتصاد شهری اصفهان رونق بخشید.

امنیت، توسعه تجارت و «اقتصاد شهری» اصفهان

اینکه شاه عباس اول در توسعه تجارت چه اقداماتی انجام داده است و این اقدامات چه اثری بر رونق اقتصاد شهری اصفهان بر جا گذاشت، زمانی بهتر و بیشتر قابل درک است که شرایط اقتصادی و تجاری ایران هنگام به قدرت رسیدن وی بازخوانی شود. در ابتدای دوره شاه عباس اول شرایط اقتصادی کشور همانند شرایط سیاسی‌اش، ناپایدار بود؛ شرایطی که «شاردن»^۱ آن را اینگونه توصیف می‌کند: «هنگامی که شاه عباس به سلطنت رسید، امپراتوری خود را ضایع و مغضوب و قسمت بزرگی از آن را منهدم (غارت شده) و مستأصل یافت» (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۸ / ۴)؛ ایران از آنجا که راه‌های تجاری شرق آن در اختیار ازبکان بود و جریان تجارت در جنوب تحت نظارت پرتغالی‌ها قرار داشت و ترکان هم در شمال غرب کشور بر ایالات تولید ابریشم مسلط شده بودند، تقریباً به لحاظ اقتصادی در

^۱ - Chardin

حالت اختناق بود (فریر، ۱۳۸۰: ۲۳۲). اجرای سیاست‌های شاه عباس اول در حوزه‌های مختلف از جمله توسعه تجارت بیش و پیش از هر اقدامی، مستلزم ایجاد ثبات و امنیت در کشور بوده است، چرا که امنیت، زیر ساخت اصلی توسعه در مفهوم عام آن می‌باشد؛ به همین دلیل در اوایل سلطنت خود برای تأمین امنیت عمومی و ایجاد مرکزیت، همچنین تقویت بنیه اقتصادی کشور و تمرکز درآمد، در گام نخست، کوشش کرد قدرت‌های محلی را سرکوب و مضمحل کند و توفیق هم یافت و در نتیجه ثروت و مایملک این حکام متنفذ محلی به او منتقل شد و این ثروت عظیم، خود سرمایه بزرگی برای انجام سیاست‌های اقتصادی او بود (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۲: ۸۱). سپس گام به گام برنامه‌های خود جهت اجرای امنیت و آرامش در کشور را به اجرا درآورد؛ برنامه‌ها امنیتی شاه عباس به موازات سایر اقدامات وی در ریشه‌کن کردن راهزنی و امن ساختن شاهراه‌ها برای تسهیل تجارت به مرکزیت شهر اصفهان برای نخستین بار حرکت چابرها و بازرگانان و مسافران را به طرز بی‌سابقه‌ای سریع و آسان ساخت، به طوری که در اواسط دوران شاه عباس نامه‌ای که یکی از راهبان فرقه مسیحی کرملی در اصفهان نوشت بعد از ۲۵ روز (با طی طریق ۹۶۰ کیلومتر) به راهب دیگری که در جزیره هرمز اقامت داشت می‌رسید (طاهری، ۱۳۵۴: ۳۱۵). مؤلف سفرنامه برادران شرلی (اوایل دوره شاه عباس) ضمن ستایش امنیت موجود در ایران و برتری آن نسبت به عثمانی، عنوان می‌کند «پادشاه ایران از حین جلوس خود مملکت را به طوری مطیع و امن کرده است که شخص می‌تواند در تمام مملکت مسافرت کند. بدون اینکه حربه یا اسلحه‌ای با خود داشته باشد.» (شرلی، ۱۳۶۲: ۹۲). ایجاد زیر ساخت‌های تجاری و امنیت ایجاد شده توسط شاه عباس در کشور، زمینه حفظ و تقویت عوامل رونق ساز اقتصاد شهری شهرهای دوره صفوی از جمله اصفهان؛ که به شدت مورد توجه وی بود را فراهم نمود. بر همین اساس «دلواله» که در زمان شاه عباس در ایران حضور دارد. با بیان برخی از اقدامات زیر بنائی تجاری وی می‌گوید: «این مطالب را نوشتم تا توجه داشته باشید شاه عباس چقدر زحمت می‌کشد تا کشورش زیباتر، آباد تر و برای تجارت مستعد تر شود.» همچنین امنیت موجود در ایران را بسیار بهتر از کشور عثمانی می‌داند و می‌گوید: «امروز نقاط ایران همه جا آباد و پر جمعیت و برای مسافرت مطمئن است» (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۲۴ و ۲۲). یکی از کانون‌های اقتصادی این عصر که مورد تأیید سیاحان این دوران قرار گرفت و در سفرنامه‌ها به تفصیل به آن پرداخته شد، تجارت پرسود شهر اصفهان بوده است؛ تجاری که به هر صورت و با هر کالایی به شهر اصفهان وارد می‌شدند، در کمال

امنیت و آرامش اجناس خود را در بازارهای پر شمار شهر ارائه می‌نمودند. انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت و قرار داشتن آن در مسیر کاروان‌های بزرگ تجاری در این امر تأثیر به‌سزایی داشت. شاه عباس برای حفظ امنیت فعالیت‌های اقتصادی تجار تدابیر سختگیرانه‌ای اندیشیده بود. در گزارش تاورنیه آمده است: «اگر اتفاقاً مال تاجری به سرقت برسد، حاکم محل مسئول است و باید روی ثبت دفتر و قسمی که یاد می‌کنید غرامت آن را بدهد و حکام در ترضیه خاطر تجار در این موقع خیلی تعجیل می‌کنند برای اینکه مبادا به اصفهان رفته تظلم نماید (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۷۹) سیوری می‌نویسد: «بسیاری از مسافران از پیدا شدن سریع اثاثیه‌شان که در کاروانسراها به سرقت رفته بود سخن رانده‌اند. مجازات معمول برای دزدان دستگیر شده مرگ بود» (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۹۰). تعجیل حکام در اجرای احکام، نشان از دقت نظر و حساسیت سیستم امنیت اقتصادی در مرکز حکومت، شهر اصفهان دارد که این مهم بدون تردید آرامش خاطر تجار را به همراه داشت. علاوه بر این سایر ساختارهای لازم برای تجار و فعالین اقتصادی که نقش کلیدی در سازمان «اقتصاد شهری» داشتند فراهم شده بود. عسس‌های (پاسبانان) بازار نظم و نسق خاصی در نظارت بر کیفیت و قیمت اجناس عمومی اعمال می‌کردند. مقام و منزلت مأموران حقوقی بومی بالا رفت. استقرار راهداران که باید عوارض از تجار می‌گرفتند، امنیت جاده‌ها را افزایش داد. برای بهبود وضع تشکیلات دیوانی - مرتبط با امر تجارت - اقداماتی مؤثری صورت گرفت (فریر، ۱۳۸۰: ۲۴۵). به فرمان شاه عباس قوانینی یکسان و منظم برای راهداری‌ها وضع شد و اقدامات اصلاحی برای مقابله با گروه‌های محل امنیت راه‌ها (قطاع الطريق) در مسیرهای تجاری، به انجام رسید. به فرمان وی هر قسمت از راه‌های کشور را به مأمورین مخصوصی سپردند و مقرر شد «مال هر کس از تجار دزد و حرامی ببرد پیروی نموده پیدا کرده و به صاحبش برساند والا خود از عهده بر آید» (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۱۰۶/۳). کمپفر^۱ نیز در این ارتباط می‌گوید: راهداران برای اولین بار از طرف شاه عباس برای امنیت جاده‌ها و عبور و مرور به کار منصوب شدند و «هم این‌ها مصروف تأمین امنیت جاده‌ها و عبور و مرور است.» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۶۵) و بر همین اساس تاورنیه^۲ سیاح فرانسوی که چند سفر به ایران آمده بود (۱۰۴۸ هـ.ق. ۱۰۵۳ هـ.ق. ۱۰۶۰ هـ.ق.)، زمانی که از خاک عثمانی به خاک ایران وارد شد می‌گوید: «دیگر از هیچ چیز ترس و وحشت نداشتیم زیرا داخل خاک پادشاه ایران شده بودیم. در این جا در کمال امنیت مسافرت می‌-

^۱ - Kaempfer

^۲ - Tavernier

نمایند» (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۷۹). امنیت و آرامش ایجاد شده توسط شاه عباس، شهر اصفهان را به پایتختی جذاب و پر رونق برای حضور جماعت کثیری از کشورهای مختلف، عمدتاً با رویکرد تجاری تبدیل کرده بود (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۷۲). که با فعالیت اقتصادی و گردش سرمایه خود، اقتصاد شهری اصفهان بیش از پیش رونق یافت. به طوری که دلاواله، اصفهان آن زمان را برترین نقطه مشرق زمین، برتر از قسطنطنیه و زیبا و پرجمعیت معرفی می‌کند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۳۶). و کمپفر که در اواخر دوره صفویه از اصفهان دیدن کرد می‌گوید: «اصفهان را بزرگ‌ترین شهر آسیا در این سوی رود کنگ می‌توان به حساب آورد» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۸۵).

تجارت ارامنی، تجارت و «اقتصاد شهری» اصفهان

در کنار امنیت و آرامش ایجاد شده در پایتخت، رونق و شکوفایی تجارت در اصفهان تا حدی ناشی از سیاست‌های جذب جمعیت و حمایتی بود که شاه عباس با هدف تبدیل این شهر به یک مرکز تجاری-اتخاذ کرد. تاورنیه در این ارتباط بیان می‌دارد: شاه عباس با این هدف که شهر اصفهان بزرگتر، ثروتمندتر و زیباتر گردد، حوالی مرزها را از سکنه خالی کرده و آنها را به مرکز انتقال داده و زمین‌های دیگری در اختیارشان گذاشت. زیرا او اولین پادشاهی است که اصفهان را به پایتختی انتخاب کرده و با ساختمان‌های پیاپی و مخارجی که در آن می‌کند، تمام سعی خود را در راه عظمت آن گذاشته است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۸-۲۹). اما در این میان، شاید حیاتی‌ترین یاری شاه عباس به اقتصاد ایران- و به ویژه به شهر اصفهان-، وارد کردن ارمنیان به ایران باشد (فریر، ۱۳۸۰: ۲۴۵). سیاست مربوط به جذب و حمایت از ارامنه با انتقال سه هزار خانوار آنها به اصفهان آغاز شد (رویمر، ۱۳۸۵: ۳۵۸). ارامنه در تجارت مهارت زیادی داشتند. شاه عباس که از سوء رفتار تجار ایرانی متضرر شده بود (فریر، ۱۳۸۰: ۲۴۵). در سال ۱۰۱۲ هـ. ق/ ۱۶۰۴ م. هزاران خانوار ارمنی را که به زور از جلفای قدیم در ساحل رود ارس در آذربایجان کوچ داده، در اصفهان سکنی داد (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۲۳-۱۳). «در فکر و اندیشه شاه عباس آن بود که تنها راه آباد کردن کشور و بی‌نیازی مردم وجود تجارت است» (شاردن قسمت اصفهان، ۱۳۷۹: ۱۶۶). هدف وی به کار گرفتن طبیعت ساعی و مقتصد و تخصص تجاری بازرگانان ارمنی در خدمت دولت صفوی بود. در واقع یکی از شریان‌های اقتصادی ایران در عصر شاه عباس این اقلیت مذهبی بود به طوری که وی مسیحیان کرملی را که به تجارت مشغول بودند را به محله حسن آباد اصفهان منتقل کرد همچنین در اهمیت این امر می‌توان

گفت که عامل اصلی در انتقال ارامنه از جلفا به اصفهان و اسکان آنها در جلفای نو، تجارت بود که مورخین این دوره بر آن صحنه گذاشتند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۷۰). شاه عباس در راستای اجرای سیاست تجاری خود به مرکزیت شهر اصفهان، نیازمند نیروی کار آمد و آشنا به فنون تجارت بود تا بتواند اهداف تجاری خویش را اجرایی کند. این اقدام با به خدمت گرفتن ارامنه مهاجر ساکن در «جلفا» عملی شد. «تاورنیه» انگیزه‌های تجاری را علت اصلی کوچ ارامنه می‌داند، زیرا ارامنه در تجارت فعال بودند و در این کار ید طولایی داشتند و می‌توانستند عامل مهم در رشد اقتصاد و تجارت ایران باشند. وی با ذکر دو مثال از تجارت ناموفق تجار ایرانی در اسپانیا و ونیز، می‌گوید: «شاه عباس که پادشاه عاقل و فعالی بود دید که مملکت ایران از حیث تجارت عقیم است» بنابراین تصمیم گرفت تجارت با اروپا را گسترش دهد. وی با تجربه‌ای که در موضوع اسپانیا و ونیز حاصل کرد، دریافته بود که بازرگانی در قلمروهای مختلف جهان، به ویژه در کشورهای دور دست مسیحی‌نشین اروپا، توانایی‌ها و شرایط خاصی را می‌طلبد که بازرگانان ایرانی چندان از عهده آنها بر نمی‌آیند. لذا «... نظر انتخاب و توجه خود را به طرف ارامنه معطوف داشت و آنها را برای اجرای مقاصد (تجاری) خود بهتر دانست (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۵-۴۰۰؛ سیوری، ۱۳۷۲: ۱۰۰). ارامنه به غیر از مقصد بودن و سخت کوشی و باهوشی در زبان و سفر توانائی‌هایی داشتند. آنها به دلیل مسیحی بودن با اروپائیان ارتباط راحت‌تری داشتند. (فریر، ۱۳۸۰: ۲۴۵) و بهتر می‌توانستند در میان اروپائیان مسیحی بازاریابی نمایند. آگاهی آنها از راه‌ها و بازارها و درجه بالای انعطاف پذیری شان شرایط را برای موقعیت تجاری آنها در -شهر اصفهان- تکمیل کرد (متی، ۱۳۸۴: ۹۵). «یان اسمیت» در سفرنامه خود می‌نویسد: «شاه عباس برای آبادی و توسعه اقتصادی اصفهان تلاش بسیاری کرد. او هزاران نفر از مسیحیان سرزمین‌های ترک و مسیحی‌نشین را به اصفهان کوچاند که در میان آنها عده‌ای بازرگان و سرمایه‌دار نیز وجود داشت. در این میان گروهی بازرگان وجود داشت که به تجارت با کشورهای خارجی می‌پرداختند و از این راه منافع فراوانی کسب می‌شد (فلور، ۱۳۵۶: ۸۲). ارامنه از اوزان، اندازه‌ها، انواع پول‌ها، قیمت کالاها و قوانین گمرکی و تجاری در تمام شهرها اطلاع داشتند (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۱۱۹). همچنین «به واسطه امساک فوق العاده و قناعتی که دارند، یا از روی صفات حسنه یا خست بهر حال وجودشان در کار تجارت خیلی نافع است» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۶). لکه‌هات نیز بر این باور است که شاه عباس برای ترقی تجارت اصفهان، نه تنها بازارهای موجود را وسیع کرد بلکه شش هزار نفر ارمنی را از جلفا در شمال ایران کوچ داد و آنها را در جنوب و جنوب غربی پایتخت ساکن

کرد این مردم ساعی و تجارت پیشه بودند (لکه‌هات، ۱۳۶۸: ۴۱۶). شاه عباس برای جبران دوری ارمنیان از کاشانه خود - و ایجاد تعلق خاطر نسبت به شهر اصفهان - امتیازات ویژه‌ای به آنها داد. که این موضوع علاوه بر تقویت کارکرد تجاری آنها در سایر عناصر «اقتصاد شهری» اصفهان همچون توسعه مسکن و رفاه عمومی نیز اثرگذار بود. شاه عباس نخست طی فرمانی بخش جنوبی زاینده رود راب رای خانه سازی و سکونت به آنها اختصاص داد (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۲۳). آنگاه کمک‌های لازم دیگر را مبدول داشت؛ به آنها اجازه داد شد بی‌هیچ مانع و ایرادی مراسم مذهبی خود را به جا آورند و در امر حقوقی و قضایی مطیع قوانین و مقررات شرعی و عرفی ایران نبودند حتی شاه مبالغی برای تزئین کلیسای «سن ژوزف» پرداخت کرد. شاه با تفویض حق نمایندگی ارامنه به یک کلاتر (شهردار) از ملیت خودشان، در واقع آنها را به صورت جامعه‌ای خود گردان درآورد - و آنها را در مدیریت شهری سهیم کرد - پس از فراهم آوردن رفاه معنوی و روانی ارمنیان به ترتیبی که ذکر شد و ایجاد احساس شهروندی برای آنها، با اعطای وام بدون بهره به بازرگانان ارمنی، همچنین معافیت‌های مالیاتی، تحقق هدف اصلی‌اش که عبارت بود از شرکت مؤثر آنان در رونق بخشیدن به «اقتصاد شهری» اصفهان و رفاه مادی کشور تضمین کرد (شاردن، ۱۳۴۵: ۸/ ۹۴-۹۸؛ فلسفی، ۱۳۵۰: ۲۹/۳). اسکندر بیگ منشی در تأیید سیاست حمایتی شاه عباس از ارامنه برای توسعه تجارت می‌گوید: «این پادشاه برای رونق تجارت به هر یک از بزرگان ارامنی تا سه هزار تومان وام داد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۶۷۰/۲). توجه خاص شاه عباس به ارامنه جلفا و نقش آفرینی آنها در امر تجارت سبب شد ارمنیان شهرهای دیگر ایران نیز به اصفهان روی آورند و در اندک زمانی بر جمعیت و وسعت جلفا - به عنوان محله‌ای از شهر اصفهان - افزوده شد و چون مردم آنجا از پرتو کار و تجارت مالدار شدند به ساختن «خانه‌ها مجلل»، کاروانسراها و «کلیساهای معجزه مانند» همت گماشتند (فلسفی، ۱۳۵۰: ۲۹/۳؛ دروهانیان، ۱۳۷۹: ۲۲). ارامنه با نقش آفرینی در تجارت و در نتیجه آن، با تولید ثروت، ساخت و گسترش عناصر شهری، نقش آفرینی در مدیریت شهر و افزایش جمعیت اصفهان نقشی کلیدی در رونق نظام اقتصاد شهری اصفهان داشتند. شاردن می‌گوید: «در این زمان در جلفا (محل سکونت ارامنه) سه هزار و چهار صد تا پانصد باب خانه وجود دارد» (شاردن، ۱۳۷۹: ۸۷). و هنگام وفات شاه عباس بازرگانان دارای دو هزار هزار سرمایه در قصبه جلفا بودند (شاردن، ۱۳۴۵: ۷/ ۹۵). تاورنیه خاطر نشان می‌سازد که ارمنیان در کار تجارت چنان پیشرفت کرده‌اند که در میان آنها کسانی هستند که بیش از دو هزار تا بیست هزار تومان ارثیه باقی گذاشتند و از خواجه پطروس تاجر ثروتمندی ارامنه یاد

می‌کند، که هنگام مرگ چهل هزار تومان پول نقره مسکوک بر جای نهاد (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۸۱). حضور این تعداد نیروی انسانی فعال اقتصادی، تجمیع این میزان سرمایه و گردش مالی که حاصل تجارت پر رونق ارامنه جلفا بوده است، به طور طبیعی در شریان‌های اقتصاد شهر اصفهان به گردش در می‌آمد و موجبات توسعه نظام اقتصاد شهری آن را فراهم می‌آورد.

عناصر شهری، توسعه تجارت و اقتصاد شهری اصفهان

اقدامات اقتصادی شاه عباس در شهر اصفهان زمینه راه اندازی و گسترش مراکز تجاری و عناصر مشهوری شده است که برخی از آنها هنوز مرکز تجارت در این شهر تاریخی می‌باشند. این عناصر که در واقع از ضرورت‌های تسهیل و توسعه تجارت به شمار می‌روند در کنار هم و با پیوستگی که داشتند زمینه رونق اقتصاد شهری اصفهان در این دوره را فراهم نمودند. از نظر اقتصاد دانان شهری شهرهای بزرگ زمانی توسعه می‌یابند که مراکز و موسسات اقتصادی مزایای قرار گرفتن در کنار هم دیگر را نسبت به پخش بودن در فضا و یافتن بازارهای انفرادی دریابند (ا.سولیوان، ۱۳۸۹: ۷۳). بر اساس شواهد و قراین «میدان نقش جهان»، «بازار قیصریه»، و «چهارباغ» سه مرکز مهم تجاری شهر اصفهان محسوب می‌شدند که در کنار عناصر شهری مکمل این مراکز همچون بازار و اجزاء آن، نظیر کاروانسراها، تیمچه‌ها، راسته‌ها به شکلی متمرکز، نظام اقتصاد شهری اصفهان را تقویت نمودند. برای آشنایی با این مراکز و نقش آنها در تسهیل امور تجاری شهر، که منجر به توسعه اقتصاد شهری اصفهان شد، در ادامه به بررسی نقش آنها پرداخته می‌شود.

یکی از مهم‌ترین عوامل رونق اقتصادی اصفهان وجود بازارهای متعدد در آن بود. بازارهای فراوانی در اصفهان وجود داشت که کالاهای مختلفی در آن تولید و به فروش می‌رسید و همیشه مملو از جمعیت و تجار و بازرگانان بود که به داد و ستد مشغول بودند. شاردن می‌نویسد: «همیشه در بازارهای اصفهان انبوه جمعیت چنان عظیم است که اشخاص سواره، پیشاپیش خود، خدمتکاری برای گشودن راه عبور مأمور می‌سازند (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۷/ ۶۷؛ شاردن، ۱۳۷۹: ۶). مناسبات تجاری اصفهان عصر صفوی که در شکل بازار منعکس می‌شد، این مکان را به یکی از مهم‌ترین عناصر اقتصاد شهری تبدیل کرده بود. بازار شهر به مثابه بخش مرکزی تجارت، نهادی اجتماعی و مشتمل بر عناصر دینی، تجاری، سیاسی و اجتماعی بوده و هست. این نهاد مرکز اصلی ملاقات، تجارت و داد و ستد در زندگی شهری است. منجم یزدی قدمت بازار اصفهان را در سال ۱۰۰۰ هجری ذکر می‌کند

و می‌نویسد؛ «در اوایل این سال طرح میدان و بازار اصفهان و قیصریه را نمودند» (منجم، ۱۳۶۶: ۱۱۳). بازار نظام حیات شهری را تغذیه می‌کند و تداوم می‌بخشد. با نگاهی به سیمای شهرهای تمدن اسلامی و بافت کالبدی شهرهای ایران به ویژه اصفهان عصر شاه عباس، بازار و مراکز داد و ستد نقش عمده‌ای در حیات اقتصاد شهری ایفا نموده است. محققان بر این باورند که یکی از وجوه تمایز و برتری شهرهای تمدن اسلامی که بزرگ‌ترین دستاورد این تمدن است مجموعه بازار یا سوق است که نه در مشرق زمین باستان نظیری داشته است، نه در یونان و روم قدیم و نه در اروپای قرون وسطی (ویرت، ۱۹۸۲، به نقل از دانشنامه جهان اسلام: ۸۱/۱). بازار اصفهان به عنوان بخشی از طرح توسعه شهری شاه عباس، به گونه‌ای بنا شده که پایتخت جدید شاه را به شهر قدیم اصفهان متصل می‌نمود. وی معماران و شهرسازان کارآزموده را با توجه به آگاهی‌های شهرسازی به کمک طلبید تا این امر به بهترین شکل به انجام رسد. راجرسیوری^۱ در این خصوص می‌گوید: «بدایت شهرسازی شاه عباس در جسارت خیال و مقیاس عظیم طرح بود، که مشتمل بود بر بنای پایتختی بزرگ با خیابان‌ها، قصرها، دیوانخانه‌ها، مساجد، مدارس، حمام، قلعه‌ها، باغ‌ها و بازارها و کاروانسراها» (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۵۲)؛ مراکزی که اقتصاددانان شهری تحت عنوان، تأمین زیر ساخت‌ها شهری و تأسیسات و تسهیلات شهری مورد توجه قرار دادند (هادی زوز، ۱۳۸۸: ۱۱). تبدیل شدن شهر اصفهان به یک مرکز فعال تجاری موجب شد همه گونه زیر ساخت‌ها و تسهیلات شهری مورد نیاز در شهر و در مراکز اقتصادی از جمله بازار اصفهان تأمین گردد. راجر سیوری در ارتباط با بازار اصفهان و تسهیلات آن می‌نویسد: خود بازار مرکب از حمام‌های متعدد، کاروانسراها، مساجد و مدارس بود. به طور کلی هر قسمت بازار به یک تجارت خاص اختصاص داشت و تقریباً خودکفا بود؛ دروازه‌هایی از آن خود داشت، امنیه و مأموران آتش نشانی خاص خود را داشت و صنف تجاری خود را داشت. که قسمت خود را اداره می‌کرد. فریر که در سال ۱۰۸۸-۱۰۸۷ هجری قمری از اصفهان دیدار داشته در وصف آن گفت «این حیرت انگیزترین نمونه عظمت در بزرگداشت تجاری است که تمامی جهان می‌تواند به آن بنزد و بررسی‌های ما در مقابل این بازار، بازارهای پراکنده‌های بیش نیستند» (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۶۲). دل‌واله نیز در مقایسه ساختمان‌ها و بازار اصفهان با قسطنطنیه از برتری ساختمان‌های بازار اصفهان سخن می‌گوید و آن را شامل بناهای بزرگ و عالی و مساوی و منظم دارای معماری فوق العاده معرفی می‌نماید (دل‌واله، ۱۳۷۰: ۳۷). «کاروانسراها» به‌عنوان دیگر عناصر بازار و تسهیلات شهری؛ که

^۱ - Roger Savory

وجودشان نشان از توسعه امر تجارت و حضور پر شمار بازرگانان داخلی و خارجی در شهر اصفهان دارد، برای تسهیل امر تجارت و در راستای سیاست تجاری شاه عباس در جوار مجموعه‌های اقتصادی بنا شده بودند. کاروانسرا مرکب از دو واژه «کاروان» و «سرا» است. واژه‌ای پهلوی که در کتیبه نرسی در پایکولی به کار رفته است (هادی‌زاده کاخکی، ۱۳۸۹: ۸۵؛ یآوری، ۱۳۸۸: ۱۸۶). معنی «کاربان» عبارت است از هیئتی از تجار که برای حفاظت از خود در مقابل راهزنان با یکدیگر متحد بودند (هیلن براند، ۱۳۸۹: ۳۳۱)، که این خود نشان از پیوند کاروانسرا با دو مقوله امنیت و تجارت است؛ گسترش تجارت نیاز به تأمین زیر ساخت‌های اقتصاد شهری داشت؛ که «سرای» امن برای تجار و بازرگانان در مرکز تجاری کشور از آن جمله بوده است. نظیر این کاروانسراها می‌توان به «کاروانسرای میدان شاه» که هر سمت آن ۲۴ حجره داشت، «کاروانسرای الله بیگ» که مشحون از کالاهای هندی بود، «کاروانسرای خراسانی‌ها» که تجار خراسان در آنجا ساکن بودند، ۱۱ کاروانسرا در محله بیدآباد، ۲۴ کاروانسرا در محله عباس‌آباد (محله تبریزیان)، ۳ کاروانسرا در محله شیخ یوسف (محله‌ای که ابتدا ارمنی‌ها ساکن شدند) «کاروانسرای عصار»، «کاروانسرای دو اشکوبه شاه» در بازار اصفهان که ۱۴۰ اتاق داشت. کاروانسرای بازار مولتانیان که مخصوص تجار مولتان بود و ۱۵ کاروانسرا در محله خواجه اشاره کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۱۰۵). کاروانسراها را می‌توان مهم‌ترین فضای معماری طراحی شده در بازارها و تقریباً همانند پاساژهای امروز دانست. کاروانسرا محلی بود که در آنجا اجناس را تحویل گرفته، وزن، ارزیابی و سپس انبار می‌شدند. معمولاً حجره‌های طبقه همکف را در بسیاری از کاروانسراها به عنوان دکان به عرضه کالا اختصاص می‌دادند و حجره‌های طبقه فوقانی بیشتر به صورت یک فضای دفتری و اداری به بازرگانی اختصاص داشت که به صورت عمده به خرید و فروش کالاها می‌پرداختند و کالاهای عرضه شده توسط آنان در انبار قرار داشت و از آنجا حمل و نقل می‌شد. البته همه کاروانسراها از لحاظ اقتصادی و اجتماعی اعتبار یکسان نداشتند. کاروانسراهایی که به مسجد جامع و مرکز شهر و راسته عرضه کالاهای گرانبها، نزدیک بودند معتبرتر و جایگاه بازرگانان ثروتمند بودند در حالی که کاروانسراهایی که در نزدیکی دروازه‌های شهر و راسته‌های ویژه عرضه کالاهای ارزان قیمت بودند، بیشتر به پیشه‌وران و تولیدکنندگان اختصاص داشت (سلطانزاده، ۱۳۶۴: ۸۳). ارتباط معنادار کاروانسراها با دیگر عناصر تجاری و تسهیلات شهری به نظام اقتصاد شهری اصفهان توسعه بخشیده بود. کاروانسراها از لحاظ ساختمان و شکل نیز اعجاب‌انگیز بودند. فیگوئروا^۱ از

^۱ - Figueroa

یک کاروانسرای بزرگ و نو در وسط بازار دیدن نموده است و در توصیف آن می‌نویسد؛ این کاروانسرا ساختمانی مجلل با گنبدی تماماً طلا کاری شده، چندین راهرو و اطاق‌های بسیار دارد که تعداد زیادی مسافر به خصوص بازرگانانی که دائماً به اصفهان رفت و آمد می‌کنند، می‌توانند به راحتی در آن سکونت کنند و در یک کلمه، ساختمانی واقعاً شاهانه دارد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۱۳). به لحاظ اهمیت این محل‌ها باید گفت در واقع کاروانسرداری کم کم از شغل‌های پر درآمد شهر محسوب شده و بیشتر رجال و اعیان مخصوصاً در ایام بازنشستگی به کاروانسرداری می‌پرداختند به‌ویژه از آن جهت که درآمدی ثابت و دائمی داشت (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۲: ۱۰۶). در مجاورت کاروانسرا یکی دیگر از عناصر بازار یعنی تیمچه قرار داشت. «تیمچه» به معنی تیم کوچک با کاروانسرای کوچک بوده است خصوصیت کالبدی تیمچه‌ها یعنی سرپوشیده بودن آنها فضای مناسبی را برای عرضه کالاهای گرانبها مانند فرش، دور از آسیب باد و باران و آفتاب پدید می‌آورد و به همین سبب فضای تیمچه‌ها غالباً نسبت به کاروانسراها از لحاظ اقتصادی گران‌تر بوده و برای عرضه اجناس ارزان قیمت از آنها استفاده نمی‌کردند (سلطانزاده، ۱۳۶۴: ۸۶-۸۷). تیمچه‌ها نیز یکی از عناصر تسهیل‌گر تجارت بودند که در رونق اقتصاد شهری اصفهان نقش مؤثری داشتند. علاوه بر اینکه عایدات قابل توجه کاروانسراها و تیمچه‌ها یکی از منابع مهم درآمد شهر اصفهان، از ره آور تجارت در عصر شاه عباس بود که در اقتصاد شهری تحت عنوان «مالیه شهری» به آن توجه می‌شود و امروزه یکی از شاخه‌های مهم اقتصاد شهری به شمار می‌رود (هادی‌زنوز، ۱۳۸۸: ۱۲). به ازای هر ۳۳۰ نفر از ساکنین شهر اصفهان، یک کاروانسرا (انبار و بار انداز) ایجاد شده بود، که تعداد زیادی از این کاروانسراها در فضای بازار بزرگ شهر احداث شده بودند. اولتاریوس^۱ می‌نویسد: «کاروان سراها که تجار در آن حجره داشته و مشغول تجارت هستند، سالانه مبلغ ۵۰ هزار تالر (۱۵۰ هزار مارک) به شاه مالیات می‌دهند. در اصفهان به تنهایی بیست و چهار کاروان سرا وجود دارد و هر یک از آنها سالانه ۳۰۰ تا ۳۰۰ تومان مالیات پرداخت می‌کنند» (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۳۲۱). فلسفی نیز می‌نویسد: «در اواخر پادشاهی شاه عباس، شهر اصفهان بیست و پنج کاروان سرا داشت که درآمد هر یک در سال ۳۶۰ تومان کمتر نبود» (فلسفی، ۱۳۵۰: ۲۰۱/۱). تنوع و انبوه کالا، حضور تجار از ملیت‌های مختلف و شهرهای مختلف ایران در این کاروانسراها، امنیت و آرامشی که بر این فضاها حاکم بود و میزان قابل توجه عایداتی که این مراکز برای پایتخت به همراه داشت؛ - که موجب تقویت «مالیه شهری» می‌شد. - در کنار سایر

^۱ - Olearius

ظفریان: تأثیر تجارت بر «اقتصاد شهری» اصفهان در عصر شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶هـ.ق.) / ۱۲۳

عناصر شهری که به اقتضای گسترش تجارت در شهر اصفهان راه اندازی شدند به اقتصاد شهری پایتخت توسعه قابل توجهی بخشید و شهر اصفهان را به یک کانون مهم اقتصادی از ره آورد تجارت پر رونق و پر سود تبدیل کرده بود.

یکی دیگر از مراکز تجاری شهر اصفهان در این دوره «بازار قیصریه» بود. این بازار بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین بازار اصفهان در این دوره به شمار می‌رفت. شاردن در وجه تسمیه این بازار می‌نویسد: «ایرانیان این بازار را قیصریه می‌نامند که از کلمه قیصر آمده است که در پارسی به معنای سزار می‌باشد و این تلفظ یا از تحریف نام سزار آمده است و یا اینکه از لغت آلمانی قیصر گرفته شده است. در کتب ایرانی سزار را قیصر می‌نامند و شاه عباس کبیر این نام را به آن داده است چون می‌گفت که این سر در را مطابق رواق سزاریه- شهر قیصر پدید آورده است» (شاردن، ۱۳۴۵: ۷ / ۱۳۱). کمپفر وجود «بازار قیصریه» را معیار خوبی برای اظهار نظر درباره‌ی رفاه اجتماعی و توسعه‌ی داد و ستد در اصفهان می‌داند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۵۶). شاردن در مورد کم و کیف فعالیت بازارشاه یا قیصریه نوشته است که این بازار مانند سایر بازارها هنگام شب و روزهای جمعه و اعیاد تعطیل است و فقط از درهای کوچکی که داخل دروازه‌ها ساخته شده به آنها می‌توان راه یافت. «این بازار، به بازار چوب فروشان و ذغال فروشان منتهی می‌شود که روزهای جمعه در آنها، دهقانان کرباس می‌فروشد و وصل به آن بیمارستانی است که آن را دارالشفای می‌نامند. کاروانسرای مسگرها که در آن اقسام ظروف مطبخ به فروش می‌رسد در کنار بیمارستان دارالشفای بود و هزینه بیمارستان از آنجا تامین می‌شد. از دارالشفای که بگذریم به بازار عریض و طویلی می‌رسیم که در آن بازار آهنگران و بازار چلنگران است که در آن لوازم زراعتی و زنجیر و ساج‌های نانوایی و غیره ساخته می‌شود. آخرین قسمت بازار، بازار رنگرزان است در انتهای آن یکی از زیباترین کاروانسراهای اصفهان موسوم به کاروانسرای خراسانیان است زیرا مسافران و بازرگانان خراسان در آن مسکن می‌گزینند» (شاردن، ۱۳۷۴: ۲ / ۷۲). نکته قابل توجه در کلیت عناصر تجاری بازار اصفهان، لحاظ شدن دیگر مؤلفه‌های توسعه اقتصاد شهری در طرحی و گسترش این مجموعه، از جمله «مکان یابی» مناسب و با راندمان بالا و «امنیت» می‌باشد. بازار اصفهان از جمله بازارهایی بود که از دروازه برخوردار بود و به هنگام تعطیلی بازار و شبها بسته می‌شد. به گونه‌ای که تاورنیه در این مورد نوشته: «بازارهای اصفهان در کمال امنیت هستند و تا صبح مستحفظین از داخل و خارج مشغول حراست و کشیک هستند و نکته جالب‌تر اینکه هر بازار دارای امنیه و ماموران آتش نشانی خاص خود را دارد» (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۳۸۵). این مرکز نیز در پیوند با دیگر

عناصر و تسهیلات شهری، که با اهداف اقتصادی گوناگون از جمله رونق تجارت بنا شده بود در رونق نظام اقتصاد شهری اصفهان نقش مؤثری داشت.

میدان نقش جهان و اقتصاد شهری

یکی از عناصر شهری که در تسهیل امر تجارت در کنار بازار، به عنوان عنصر اساسی اقتصاد شهر به شمار می‌رود، میدان است. در کنار یا امتداد بعضی بازارهای مهم در شهرهای بزرگ یک میدان وجود داشت، زیرا بازار مهمترین راه و معبر شهر بود و در بیشتر موارد با یک میدان شهری مرتبط بود. بازار بزرگ اصفهان با دو میدان سبزه میدان (میدان کهنه) و میدان نقش جهان مرتبط است. در این میان میدان «نقش جهان» که به قولی «رشک بستان جهان بود» (افوشته‌ای، ۱۳۷۳: ۲۳۹). در اصفهان عصر صفوی نقشی فراتر از میداندین مرتبط و مکمل بازار در شهرهای اسلامی ایفا نمود. همه سیاحان اروپایی که در دوره صفویه به ایران آمدند از میدان نقش جهان به عنوان یک مجموعه عالی معماری و هنری در عین حال مرکزی تجاری یاد می‌کنند. اولتاریوس می‌نویسد: «میدان (نقش جهان اصفهان) یا مکان بزرگ تجارت آنقدر بزرگ است که نظیر آن را در هیچ جا ندیده‌ام» (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۲۳۹). پردولاماز^۱ نیز میدان نقش جهان را یکی از زیباترین میدان‌های جهان می‌داند (کشیشان ژزوئیت، ۱۳۷۰: ۹۱). در این دوره هسته مرکزی شهر در بخش جنوب غربی شهر کهن عصر سلجوقی حول محوریت میدان نقش جهان، ایجاد شد (گوبه، ۱۳۶۵: ۲۹۰). طول این میدان از شمال به جنوب بالغ بر ۵۰۰ متر و عرض آن در حدود ۱۵۰ متر و تناسبی ۱ بر ۵، ۲ یا حدود ۱ بر ۳ دارد که این ابعاد خود کمک می‌کند به بزرگ نشان دادن میدان، از فضای داخل میدان به عنوان فضای تشریفاتی، ورزشی، تفریحی و تجاری موقت استفاده می‌شده است. این میدان در جایگاه یک مرکز تجاری به عنوان مهم‌ترین تقاطع راه‌های شهر، به ویژه راهی که به یکی از دروازه‌های مهم شهر ختم می‌شود، شکل گرفته است و به در نقش مفصلی برای ارتباط شهر قدیم و شهر جدید صفویه عمل می‌کرد (فندرسکی، ۱۳۸۰: ۴۰). و از سوی دیگر، این میدان از چهار طرف توسط فضای بازار محصور شده است. شاه عباس پس از احداث میدان نقش جهان در چهار ضلع آن بازارهایی بنا نمود و هر قسمتی را برای فروش فرآورده خاصی اختصاص داد. طرح اولیه شاه عباس، شامل دکان‌های دو اشکوبه‌ای بوده که هم رو به داخل و هم خارج میدان داشته است (پی. بلیک،

^۱ - Era De La Maze

۱۳۸۸: ۱۱۷). شاردن، میدان نقش جهان را یکی از زیباترین میدان‌های جهان و یکی از بازارهای پهناور اصفهان می‌داند و می‌گوید: «این میدان به شکل مربع مستطیل و به طول چهارصد و چهل قدم و عرض صد و شصت قدم است. اطراف میدان دویست اتاق که همه به یک اندازه و یک سبک دو طبقه ساخته شده است. این میدان به جز در اعیاد رسمی در اوقات دیگر مشحون از مسگران، آهنگران، کهنه فروشان، خرده پیشه‌وران و فی الجمله دکاکین کوچک و بی‌شماری است که هرگونه خوار و بار مورد نیاز در آن مشاهده می‌گردد (شاردن، ۱۳۷۹: ۳۳-۳۱). شرحی که شاردن از عملکرد این میدان ارائه می‌دهد حکایت از نقش پر رنگ تجاری و اقتصادی آن در کنار سایر عناصر اقتصادی شهر دارد. تاورنیه جهانگرد و بازرگان فرانسوی ضمن توصیف ویژگی‌های این میدان در ارتباط با نقش اقتصادی آن می‌گوید: «روزهای جمعه که به منزله روز بازار است، میدان مملو از مردم می‌شود و روستائیان صنایع دهات خود را- برای فروش- به آنجا می‌آورند» (تاورنیه، ۱۳۶۵: ۵۲-۵۱). این نقش به تمایلات تجاری شاه عباس مربوط می‌شود؛ شاه عباس با الهام از میدان عتیق، نقش بازار و مسجد را در میدان جدید پر رنگ دیده بود و مجاورت بازار با میدان با همین رویکرد بوده است تا جایی که «هفتستند»، طراح هلندی و «توماس هربرت»، جهانگرد انگلیسی آن را میدان- بازار معرفی کردند (آق‌بزرگ و متدین، ۱۳۹۴: ۳۱). توجه شاه عباس به سهولت تجارت، رفاه و آسایش تجار به حدی بود که دستور داد که اجناس موجود در بازار اصفهان به شکلی ترتیب و نظم یابند که بازرگانان و مردم عادی بتوانند در خود میدان اشیاء معمولی و متداول عام و در بازارهای اطراف آن کالاهای نادر و نایاب را به دست آورند. همچنین عامل‌هایی بین بازار شاه و اسواق اطراف استقرار یافتند و به فرمان شاه «فروشدگان اجناس واحدگرد هم می‌آمدند و در محل و منطقه مخصوص رسته‌هایی پدید می‌آوردند» (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۱۵/۷).

بر اساس اطلاعات سفرنامه‌ها و متون تاریخی، بازه زمانی از شاه عباس اول تا پایان دوره صفویه، میدان نقش جهان در دوره صفویه بستری برای وقوع حجم و تنوع بسیار گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی تفریحی و ورزشی و غیره بوده است. این گستردگی و تنوع فعالیتی و عملکردی موجب می‌شد این میدان مرکز جذابی برای حضور اقشار مختلف مردم باشد. بنابراین تراکم جمعیت در این مکان؛ که خود هویت تجاری داشت و متصل به بازار نیز بود، میدان نقش جهان را به یکی از کانون‌های اصلی اقتصاد شهری که سبب پویایی حیات اقتصاد شهر اصفهان شده بود، تبدیل کرد. در دوران شاه عباس و جانشینان وی درآمد روزانه میدان

پنجاه اکو^۱ بوده است (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۱۶/۷)؛ این میزان درآمد میدان نقش جهان، که در واقع ره آورد نقش تجاری آن بود است، نشان از کارکرد این میدان در حوزه «مالیه شهری» به عنوان عنصر مهم اقتصاد شهری اصفهان دارد.

یکی از مباحث قابل بررسی میدان نقش جهان از منظر مفاهیم «اقتصاد شهری»، موضوع مکان-یابی و جانمایی این میدان و عناصر شهری مرتبط با آن می‌باشد. هربرت انگلیسی که در سال ۱۶۳۷ م. به ایران آمد و بخشی از سفرنامه خود را به شهر اصفهان اختصاص داد. در ارتباط با جایگاه میدان نقش جهان می‌نویسد: «این میدان، در قلب شهر واقع است» (Herbert, 1996: 86). بدین سان میدان نقش جهان را چهار فضای متفاوت احاطه کرده است؛ کاخ عالی قاپو (نماد حکمرانی و قدرت سیاسی حکومت)، بازار قیصریه (نماد تمرکز اقتصاد شهری)، مسجد شیخ لطف‌الله (نماد مذهبی حکومت شیعی) و مسجد جامع عباسی (تبلور قدرت اجتماعی و مردمی) (فراهانی، ۱۳۸۸: ۸). این مدل مکان-یابی نمود شهرسازی مکتب اصفهان در عصر صفوی است؛ در این دوره هر شهر و روستا دارای یک میدان یا مرکز ثقل است. این میدان در هر جا که باشد دریچه‌ای است که دولت صفوی از طریق آن خود را به جهان پیرامونش می‌نماید. عناصر اصلی حکومتی، دیوانی، مذهبی و اقتصادی در کناره‌ی آن جا می‌گیرند (میدان نقش جهان) (آمیخ و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۰). تمام این فضاها از لحاظ منظر دارای موقعیت مناسبی بوده و اغلب در امتداد محورهای تقارن فضای باز میدان یا روبروی راه‌های اصلی منتهی به میدان ساخته شده‌اند. این چهار عنصر - که هر کدام وجهی از نظام «اقتصاد شهری» را در بر داشت - در کنار میدان نقش جهان طوری طراحی و جانمایی شده‌اند که یک کلیت بهم پیوسته‌ای را به نمایش درآوردند. علاوه بر این، میدان از چهار طرف توسط فضای بازار محصور شده است و در تقاطع مهمترین راه‌های شهر به ویژه راه‌هایی که به یکی از دروازه‌های شهر ختم می‌شد شکل گرفت (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۸۶). پیوستگی، دسترسی و کارکرد این عناصر، در ارتباط با این میدان و طراحی دسترسی‌های مختلف عناصر مهم شهر صفوی و ماقبل صفوی به میدان نقش جهان (شهابی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۲۷)، موجب شد این مجموعه نقشی کلیدی در تبدیل اصفهان صفوی، به شهری با رونق اقتصاد ملی و جهانی داشته است. کارکرد منحصر بفرد تجاری و اقتصادی این میدان موجب شد تا توماس هربرت بگوید: «این میدان بزرگ بدون شک مجلل‌ترین و مطبوع‌ترین بازار در سراسر جهان

^۱ - پول نقره قدیم که گاهی معدل سه لیور و گاهی شش لیور بود (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۱۶/۷).

است. این میدان شبیه مرکز بورس ما یا میدان سلطنتی در پاریس است (هربرت، نقل از نوایی، ۱۳۷۰: ۱/۲۳۶؛ همایون، ۱۳۴۸: ۱۲۷). بنابراین میدان نقش جهان، به عنوان یکی از عناصر شهری اصفهان؛ در نتیجه سیاست‌های تجاری شاه عباس، از جهات مختلف در توسعه اقتصاد شهری پایتخت اثر گذاری قابل توجه داشته است. بدین صورت که هم بعنوان یک مرکز تجاری پر رونق و پردرآمد ملی و بین‌المللی در نظام «مالیه شهری» اصفهان نقش آفرین بود. هم از منظر مکان‌یابی با صرفه اقتصادی بالا که از متغیرهای اقتصاد شهری به شمار می‌رود، از جایگاه مناسبی برخوردار بوده است.

نتیجه

با تثبیت قدرت صفویه و انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت در دوره شاه عباس ثبات سیاسی، آرامش و امنیت داخلی و اندیشه توسعه نگر پادشاه موجب شد که اقتصاد ایران، به ویژه شهر اصفهان، که ظرفیت‌های بالقوه‌ای در خود داشت در مسیر تحول قرارگیرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد. سیاست‌ها و اقدامات تجاری شاه عباس در شکوفایی اقتصاد شهری اصفهان نقش عمده‌ای داشته است. اجرای سیاست‌های شاه عباس اول در ایجاد امنیت محیطی، تجاری و قضایی برای پیشه‌وران و بازرگانان داخلی و خارجی با ریشه کن کردن راهزنی و امن ساختن شاهراه‌ها، همچنین به خدمت گرفتن و حمایت از آرامنه ساعی و تاجر مسلک، به مرکزیت شهر اصفهان زمینه رونق تجارت و به تبع آن ضرورت ایجاد زیر ساخت‌های تجاری در این شهر را فراهم نموده است. این شرایط اقتصاد شهری اصفهان را متحول کرد. چرا که؛ در نتیجه این تحول اقتصادی با نقش آفرینی تجار پر تلاش ارمنی و فعالیت بازرگانان کشورهای مختلف در سایه امنیت و ثبات اقتصادی، عناصر اقتصاد شهری از جمله بازارها (بازار قیصریه و دیگر بازارهای شهر)، میدان (میدان نقش جهان)، کاروانسراها، و تسهیلات شهری نظیر مساکن، خیابان‌ها (چهار باغ)، پل‌ها (سی و سه پا، خواجه)، مساجد، مدارس و گرمابه‌ها گسترش کمی و کیفی قابل توجهی پیدا کردند. همچنین در نتیجه گسترش تجارت و رشد قابل توجه عواید مراکز اقتصادی شهر اصفهان، منابع «مالیه شهری» افزایش یافت که ره‌آور آن ایجاد منبع درآمد پایدار و سرشار برای حکومت مرکزی، تقویت سطح زندگی شهروندان و توسعه قابل توجه نظام اقتصاد شهری اصفهان بوده است. در کل می‌توان گفت شاه عباس با سیاست گذاری مدبرانه در حوزه تجارت و ایجاد پیوند بین تجارت، بعنوان یک فعالیت مهم اقتصادی و عناصر اقتصاد شهری اصفهان (امنیت،

نیروی انسانی (تجار ارامنه) بازار و اجزای آن، تسهیلات شهری، موجب پویایی و رونق این چرخه اقتصادی شد که نتیجه روشن آن توسعه نظام اقتصاد شهری اصفهان در این عصر بوده است.

منابع و مآخذ

آقابزرگ، نرگس. متدین، حشمت‌الله (۱۳۹۴). «خاستگاه میدان نقش جهان». **ماهنامه علمی پژوهشی باغ نظر**. شماره ۳۳، ۴۰-۲۳.

آمیخ و همکاران (۱۳۹۴). «از شار سلجوقی تا آرامان‌شهر صفوی». **سومین همایش ملی معماری و شهرسازی در گذر زمان**. قزوین: دانشگاه امام خمینی، ۸۳-۶۵.

أسولیوان، آرتور (۱۳۸۶). «مباحثی در اقتصاد شهری». ترجمه جعفر قادریو علی قادری، همدان: نور علم.

..... (۱۳۹۸). «دانشنامه اقتصاد شهر». ترجمه ایرج اسدی. شماره ۵، ۷۷-۷۲.

افواشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳). **نقاوه الأثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه**. به اهتمام احسان اشراقی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

اولثاریوس، آدام (۱۳۸۵). **سفرنامه‌ی آدام اولثاریوس**. ترجمه احمد بهپور. تهران: نگار.

انصاری، محمد اسماعیل (۱۳۸۰). «فعالیت‌های تجاری و صنعتی شاه عباس اول در اصفهان». **(مجموعه مقالات همایش)**. به اهتمام مرتضی دهقان‌نژاد، جلد ۲. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۶۲). **سیاست و اقتصاد عصر صفوی**. تهران: صفی علیشاه.

پژوهش دانشگاه کمبریج (۱۳۸۰). **دوره صفویان**. ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.

- پیگولوسکایا (۱۳۵۳). **تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی**. مترجم کریم کشاورز. تهران: پیام.

پی. بلیک، استفان (۱۳۳۸). **نصف جهان**. ترجمه محمد احمدی‌نژاد، اصفهان: خاک.

تاورنیه، ژان باپتیست (۱۳۳۶ و ۱۳۸۳). **سفرنامه**. ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح حمید شیرانی. تهران: کتابخانه سنایی و کتابفروشی تایید اصفهان.

ترکمان، اسکندر بیگ، محمد یوسف (۱۳۵۰). **تاریخ عالم آرای عباسی**. تهران: امیرکبیر.

ظفریان: تأثیر تجارت بر «اقتصاد شهری» اصفهان در عصر شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶هـ.ق) / ۱۲۹

ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۵). «سیاست‌های شاه عباس در رونق تجاری ایران». **پژوهشنامه تاریخ**. شماره ۲، ۶۰-۴۱.

جنابدی، میرزا بک حسن بن حسینی (۱۳۷۸). **روضه الصفویه**. تصحیح طباطبایی مجد، غلامرضا. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.

دروهانیان، هارتون (۱۳۷۹). **تاریخ جلفای اصفهان**. ترجمه: لئون.گ. میناسیان و موسوی فریدنی. اصفهان: نشر زنده رود با مشارکت نقش خورشید.

دلاواله، پیتر (۱۳۸۰). **سفرنامه پیتر دلاواله**. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۵). **ایران در راه عصر جدید (تاریخ ایران از ۱۳۵۰ تا ۱۷۵۰)**. ترجمه آذر آهنجی. تهران: دانشگاه تهران.

زنگنه، یعقوب (۱۳۸۹). **درآمدی بر اقتصاد شهری**، تهران: آذرخش.

سفرنامه برادران شرلی (۱۳۶۲). ترجمه آوانس. به کوشش علی دهباشی. بی‌جا: بی‌نا.

سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۴). **روند شکل‌گیری شهرها و مراکز مذهبی در ایران**. تهران: آگاه.

..... (۱۳۶۷). **مقدمه‌ای بر تاریخ شهرسازی ایران**. تهران: امیرکبیر.

سیوری، راجر (۱۳۷۲). **ایران عصر صفوی**. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.

شاردن، ژان (۱۳۷۹). **سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)**. ترجمه حسین عریضی. به کوشش مرتضی تیموری. با مقدمه فضل‌الله صلواتی. اصفهان: گلها.

..... (۱۳۷۴). **سفرنامه شاردن**. (جلد ۲). ترجمه اقبال یغمایی. تهران: طوس.

..... (۱۳۳۶) **سیاحتنامه شاردن**. (جلد ۴). ترجمه محمد عباسی تهران: امیرکبیر.

..... (۱۳۴۵). **سفرنامه شاردن**. (جلد ۷). ترجمه: محمدعباسی. تهران: امیرکبیر.

..... (۱۳۴۵). **سفرنامه شاردن**. (جلد ۸). ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.

شهابی، علی؛ امین‌زاده، بهناز (۱۳۹۱). «منظر ورودی میدان نقش جهان ارزش‌ها و مسئله‌ها. نشریه هنرهای زیبا». **معماری و شهرسازی**. دوره ۱۷. شماره ۱: ۳۸-۲۷.

- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۴). **تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران (از مرگ تیمورتا مرگ شاه عباس)**، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ظهوریان، یوسف (۱۳۹۴). «حضور ارامنه در اقتصاد ایران صفوی». **تاریخ پژوهی**. شماره ۳: ۸۲-۵۹.
- عابدینی درکوش، سعید (۱۳۸۹). **درآمدی به اقتصاد شهری**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فراهانی، رضا (۱۳۸۸). «میدان نقش جهان و عناصر آن». **کتاب ماه هنر**، ۱۱-۴.
- فریر، رانلد (۱۳۸۰). **تاریخ ایران دوره صفویان**. پژوهش از دانشگاه کمبریج. ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۰). **زندگانی شاه عباس اول**. جلد ۳. تهران: علمی.
- فلور، ویلم (۱۳۵۶). **سفرای ایران و هلند**. تهران: کتابخانه طهوری.
- فندرسکی، محمدمبین (۱۳۸۰). «رابطه ساختار شهری و معماری در اصفهان صفوی». **مجموعه خلاصه مقالات، همایش کاربرد فن اوری در عمران و توسعه شهری اصفهان**.
- فیگوئروا، دون گارسیا سیلوا (۱۳۶۳). **سفرنامه**. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نو.
- کشیشان زروئیت (۱۳۷۰). **نامه‌های شگفت‌انگیز در دوران صفویه و افشار**. ترجمه: بهرام فرهوشی. تهران: موسسه علمی اندیشه جوان.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). **سفرنامه کمپفر**. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- گوبه، هاینس (۱۳۶۵). «**اصفهان پایتخت کشوری**» پایتخت‌های ایران. به کوشش یوسف کیانی. سازمان میراث فرهنگی.
- لکه‌هات، لورنس (۱۳۶۸). **انقراض سلسله صفویه**. ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: تاریخ کهن.
- متی، رودی (۱۳۸۴). «تجار در عصر صفوی (شرکا و دیدگاه‌ها)»، قسمت اول. ترجمه حسن زندیه.
- نامه تاریخ پژوهان**. سال اول. شماره ۱: ۹۰-۱۱۵.
- (۱۳۸۷) **اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی**. ترجمه حسن زندیه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب (۱۳۸۷). **مبانی علم اقتصاد. اقتصاد خرد. اقتصاد کلان**. تهران: خجسته.

ظفریان: تأثیر تجارت بر «اقتصاد شهری» اصفهان در عصر شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶هـ.ق.) / ۱۳۱

منجم، ملاجلال الدین (۱۳۶۶). **تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال**. به کوشش سیف الله وحیدنیا. تهران: وحید.

مؤمنی، مصطفی (۱۳۶۶). «مأخذ شناسی جغرافیای شهری ایران». **فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات جغرافیایی**. شماره ۵، ۷۲-۲۶.

میرسلیم، سیدمصطفی (۱۳۷۵) **دانشنامه جهان اسلام**. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

نوابی، عبدالحسین (۱۳۷۰). **شاه عباس. مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفضیلی**. تهران: زرین.

وبر، ماکس (۱۳۶۹). **شهر در گذر زمان**. ترجمه شیوا کاویانی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

هادی‌زاده کاخکی، سعید (۱۳۸۹). **کاروانسرا در ایران**. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

هادی‌زنوز، بهروز (۱۳۸۸). «درآمدی بر اقتصاد شهری». **اقتصاد شهر**. شماره اول: ۱۵-۴.

هیلن براند، روبرت (۱۳۸۹). **معماری اسلامی**. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: روزنه.

همایون، غلامعلی (۱۳۴۸). **اسناد مصور اروپاییان از ایران از اوائل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم**. تهران: دانشگاه تهران.

یاوری، حسین (۱۳۸۸). **سیری در هنر و معماری ایران**. تهران: سیمای دانش.

Button, K. J.(1976). **URBAN ECONOMIS, theory and policy**; Macmillan, publisher LTP, Houndmills and cambridge Massachusett, Havard.

Herbert, Thomas, (1928) .A relation of Some Travaile, 1627. London

The Important of Commerce Urban Economy" of Isfahan During ShahAbbas Is Ear (996-1038 AH)

Darab Zafariyan, Naser Jadidi, Soheila Torabi Farsani

Abstract

The actions and reforms made by Shah Abbas I, were the initiator of a period of change and development in various political, social and economic fields in the history of Iran the center of which was the city of Isfahan.

Based on the ideas and policies of Shah Abbas and his advisors, Iran's economy structures was transformed. One of the features of this transformation which had a immant impact was Isfahan's urban economy. Several factors, including trade development, caused Isfahan economy to become a model of urban economy with new elements. This research seeks to answer this question: What has been the effect of "trade development" on the prosperity of urban economy of Isfahan in Shah Abbas age?

The present study is a historical research that has been carried out using a descriptive-analytical method.

The findings of this study can be seen in Shah Abbas's commercial policies in providing security, protecting Armenian merchants, and prosperity of urban elements that led to improved commerce of the city and the expansion of Isfahan's urban economy.

Keywords: Safavid, Isfahan, Shah Abbas, urban economy